

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



صاحب امتیاز: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (پژوهشکده اسلام تمدنی)

مدیر مسئول: دکتر سید علیرضا واسعی

سر دبیر: دکتر سید حسین سیدی

مدیر اجرایی و دبیر تحریریه: هوشنگ استادی

ویراستار: هوشنگ استادی

کارشناس بخش انگلیسی: دکتر سید محمدجواد سیدی

صفحه آرایی: سید حجت جعفری

طراحی جلد: کمیل بیگ

چاپخانه: مؤسسه بوستان کتاب - ۳۶۶۶۱۱۱۴ - ۰۲۵

«این نشریه حاصل فعالیت مشترک پژوهشکده اسلام تمدنی و انجمن علمی نقد ادب عربی ایران است.»

نشانی فصلنامه:

مشهد مقدّس، چهارراه خسروی، خیابان شهید رجایی

دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی، پژوهشکده اسلام تمدنی

کد پستی: ۹۱۳۴۶۸۳۱۸۷ - تلفکس: ۰۵۱-۳۲۲۱۸۱۰۳

رایانامه: jrla@isca.ac.ir

نشانی سامانه: <http://jrla.isca.ac.ir>

اعضای هیئت تحریریه

- ۱- دکتر سید حسین سیدی
(استاد دانشگاه فردوسی مشهد و عضو هیئت علمی پاره‌وقت پژوهشکده اسلام تمدنی)
- ۲- دکتر علی‌باقر طاهری‌نیا
(استاد دانشگاه تهران)
- ۳- دکتر ابوالحسن امین مقدسی
(دانشیار دانشگاه تهران)
- ۴- دکتر رقیه رستم‌پور ملکی
(دانشیار دانشگاه الزهراء)
- ۵- دکتر سید علیرضا واسعی
(دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی - پژوهشکده اسلام تمدنی)
- ۶- دکتر حجت رسولی
(دانشیار دانشگاه شهید بهشتی)
- ۷- دکتر غلام‌رضا پیروز
(دانشیار دانشگاه مازندران)
- ۸- دکتر جهانگیر مسعودی
(دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد و عضو هیئت علمی پاره‌وقت پژوهشکده اسلام تمدنی)

ارزیابان و مشاوران علمی این شماره

- ۱- دکتر سید فضل‌الله میرقادی، استاد تمام دانشگاه شیراز
- ۲- دکتر حیدر شیرازی، دانشیار دانشگاه خلیج فارس بوشهر
- ۳- دکتر تورج زینی‌وند، دانشیار دانشگاه رازی کرمانشاه
- ۴- دکتر مهین حاجی‌زاده، دانشیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان
- ۵- دکتر سید علی سراج، استادیار دانشگاه پیام نور تهران
- ۶- دکتر رسول بلاوی، استادیار دانشگاه خلیج فارس بوشهر
- ۷- دکتر دانش محمدی رکعتی، استادیار دانشگاه شیراز
- ۸- دکتر شیرین سالم، استادیار دانشگاه فرهنگیان مشهد
- ۹- دکتر صدیقه زودرنج، استادیار دانشگاه بوعلی سینا همدان
- ۱۰- دکتر معصومه نعمتی، استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۱۱- دکتر نیلوفر محمدی، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد فلاورجان
- ۱۲- دکتر آسیه کازرونی، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد فلاورجان

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش و تنظیم و ارسال مقالات

الف- ضوابط کلی و محتوایی:

- ۱- مقاله ارسالی جهت چاپ در فصلنامه باید دارای محتوای علمی - پژوهشی باشد.
- تبصره ۱: ترجمه مقاله اگر همراه با نقد جامع علمی باشد می‌تواند در نشریه علمی-پژوهشی درج شود.
- ۲- لازم است نویسنده یا نویسندگان مشخصات دقیق خود را شامل: نام و نام خانوادگی، رتبه علمی، مؤسسه متبوع، شماره تلفن تماس، نشانی دقیق پست الکترونیکی e-mail در صفحه‌ای جداگانه ارسال کنند (در صورت ارسال از طریق سامانه فصلنامه، نیازی به آن نیست).
- ۳- در صورتی که مقاله بیش از یک نویسنده داشته باشد، نویسنده مسئول مشخص گردد.
- تبصره ۲: چنانچه نویسنده مسئول مشخص نشده باشد، ارائه مقاله و تمام مکاتبات و مسؤولیت مقاله با نویسنده اول است.
- ۴- مقاله قبلاً منتشر نشده و نویسنده متعهد به نشر آن در جای دیگر نباشد. ضمناً مقاله‌های ارسالی، نباید هم‌زمان به فصلنامه‌های دیگر ارائه شوند.
- ۵- چنانچه مقاله‌ای برگرفته از پایان‌نامه یا طرحی تحقیقاتی باشد، یادآوری آن در ابتدای مقاله الزامی است.
- ۶- مسؤولیت صحت و سقم مقاله به لحاظ علمی و حقوقی به عهده نویسنده است.
- ۷- حق رد یا قبول و نیز ویراستاری مقاله‌ها برای مجله محفوظ است.
- ۸- تأیید نهایی مقاله برای چاپ در فصلنامه، پس از نظر داوران با هیأت تحریریه فصلنامه است.

ب- ضوابط ساختاری و نگارشی:

- ۹- حجم مقاله حداکثر ۲۶ صفحه، و هر صفحه ۲۵۰ کلمه، دارای حداکثر ۲۴ خط باشد.
- ۱۰- مقاله بر یک روی کاغذ A4 با نرم‌افزار Word و قلم B Compset فونت ۱۲ حروفچینی شود. با حاشیه بالا و پایین ۵، چپ و راست ۴/۵ و میان ستور ۱ سانتی‌متر، و چکیده، پانویس و منابع با همان قلم و اندازه ۱۱ باشد. قلم انگلیسی Times New Roman با یک فونت کم‌تر از قلم فارسی و قلم عربی B Badr با یک فونت بیش‌تر تایپ شود.
- ۱۱- هر مقاله باید دارای بخش‌های زیر باشد:
 - ۱-۱۱. عنوان مقاله؛ ناظر بر موضوع پژوهش و کوتاه و رسا باشد.
 - ۲-۱۱. چکیده: حدود ۱۵۰-۲۰۰ کلمه به زبان فارسی و انگلیسی که در بردارنده شرح مختصر و جامع محتویات نوشتار؛ شامل بیان مسأله؛ هدف؛ ماهیت پژوهش و نتیجه باشد.
 - ۳-۱۱. کلید واژه؛ هر مقاله باید دارای حداکثر ۴ و حداکثر ۷ کلیدواژه باشد.
 - ۴-۱۱. مقدمه؛ به تبیین موضوع مقاله، ارتباط آن با پژوهش‌های قبلی و جهات نوآوری آن در

راستای حل مشکلات موجود می‌پردازد.

۱۱-۵: متن اصلی: بخش اصلی مقاله است که باید پاراگراف‌بندی شده و هر پاراگراف دارای موضوعی خاص باشد.

۱۲- نتیجه؛ حدود ۱۵۰-۲۰۰ کلمه و دربردارنده جمع‌بندی و خلاصه مهم‌ترین مسایل مطرح شده در مقاله است.

۱۳- منابع: منابع مقاله، به ترتیب حروف الفبا مرتب شده (ابتدا منابع فارسی و عربی، سپس انگلیسی) و در انتهای مقاله آورده شوند. لازم است تمام مراجع در متن مقاله مورد ارجاع واقع شده باشند.

ج- ارجاعات:

۱۴- ارجاعات درون‌متنی؛ منابعی که در متن اصلی مقاله مورد ارجاع قرار می‌گیرد:

۱۴-۱: در صورت نقل قول مستقیم از منبعی، ابتدا و انتهای مطلب باید میان دو گیومه قرار گیرد. در نقل به مضمون نیازی به گیومه نیست.

۱۴-۲: ارجاعات داخل متن شامل نام خانوادگی نویسنده؛ سال نشر؛ شماره جلد و صفحه (مثال: ۳۵/۱)

۱۴-۳: در صورت ارجاع به چند اثر از یک مؤلف سال انتشار نیز پس از نام مؤلف ذکر شود.

۱۴-۴: چنانچه نویسنده‌ای دارای دو یا چند اثر چاپ شده در یک سال باشد به صورت (نام مؤلف، سال انتشار حروف الفبا: ا-ب-ج و....، جلد/صفحه) ارجاع داده می‌شود: طوسی، ۱۳۵۹، ب، ۴۵۲ و طوسی، ۱۳۵۹، ج، ۱۲۵.

تبصره ۳: در صورتی که اثری دارای بیش از سه نویسنده باشد، پس از نام نخستین نویسنده، عبارت «دیگران» برای آثار فارسی و عبارت «et al.» یا «and others» برای آثار انگلیسی قرار می‌گیرد.

۱۴-۵: دو یا چند استناد درون‌متنی در کنار یکدیگر در یک جفت پرانتز، با علامت نقطه ویرگول از هم جدا می‌شوند.

۱۴-۶: ارجاعات توضیحی، مانند صورت لاتین کلمات در پانوشت و شرح اصطلاحات و مانند آن در پانوشت آورده شود. (ارجاع و اسناد در یادداشت‌ها مثل متن مقاله روش درون متنی خواهد بود).

۱۴-۷: در مواردی که بلافاصله یا با فاصله از ذکر منبع اصلی - اگر ذکر منبعی دیگر موجب ابهام یا عدم شناسایی منبع مورد ارجاع نگردد - به همان منبع ارجاع داده شود و از کلمه همان و شماره صفحه و در صورتی که شماره صفحه نیز یکی باشد، با همان شرط یادشده، از واژه همان استفاده شود.

۱۴-۸- در ارجاعات آیات درون مقاله این گونه عمل می‌شود: اصل آیه، شماره سوره و آیه:
(۶۵/۱)، ترجمه فارسی آیه.

۱۵- شیوه ارجاع منابع پایان مقاله

۱۵-۱: کتاب‌ها: نام خانوادگی/شهرت، نام؛ (سال انتشار)، عنوان کامل اثر به صورت ایرانیک یا ایتالیک (عنوان اصلی با دو نقطه از عنوان فرعی جدا شود)، مترجم/ ویراستار/ گردآورنده: نام و نام خانوادگی، ویرایش (در صورتی که نخستین ویرایش نباشد)، نوبت چاپ، جلد، محل انتشار: ناشر.
تبصره ۴: در آثاری با بیش از دو نویسنده تنها نام نویسنده اول معکوس می‌شود و نام نویسندگان دوم به بعد به صورت طبیعی پس از یک ویرگول و حرف ربط «و» پیش از نام نویسنده آخر می‌آید.

تبصره ۵: در صورت عدم وجود تاریخ نشر، از لفظ «بی‌تا» و در صورت عدم وجود محل نشر از لفظ «بی‌جا» و در صورت عدم وجود ناشر، از لفظ «بی‌نا» استفاده شود.

۱۵-۲: مقالات: نام خانوادگی/ شهرت، نام، (سال انتشار)، عنوان کامل مقاله درون گیومه، نام مجله به صورت ایرانیک یا ایتالیک، محل نشر، دوره، شماره، ماه/ فصل انتشار، شماره صفحات مربوط به مقاله.

تبصره ۶: برای ذکر صفحات متوالی از صص استفاده می‌شود؛ مانند صص ۲۵-۲۸ و برای صفحات متناوب از ص؛ مانند ۴۳ و ۴۷ و ۵۰)

۱۵-۳: پایان‌نامه: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، عنوان پایان‌نامه به صورت ایرانیک یا ایتالیک، نام دانشگاه، سایت اینترنتی که پایان‌نامه مذکور در آن در دسترس می‌باشد.

۱۵-۴: سایت اینترنتی: نام خانوادگی، نام (سال انتشار و یا روز آمدن شدن)، عنوان مطلب درون گیومه، آدرس سایت به صورت کامل.

۱۵-۵: پایان‌نامه و سایت اینترنتی جداگانه ذکر نمی‌گردد؛ بلکه در ترتیب الفبایی فهرست منابع و مآخذ آورده می‌شود.

۱۵-۶: همه متون عربی اعم از آیات قرآن، نهج البلاغه، احادیث و جز آن‌ها باید به طور کامل و درست اعراب‌گذاری شود.

فصلنامه موتون مطالعات ادبی

سال دوم، شماره سوم، پیاپی ۷، پاییز ۱۳۹۶

فهرست مطالب

- | | |
|---|-----|
| • بررسی ادبی "ملحمة كربلا"ی سعید عسلی و "ملحمة الحسین" جورج شکور دو شاعر معاصر لبنان
دکتر مهین حاجی‌زاده، حکیمه مطّلی | ۹ |
| • بررسی رابطهٔ بافت متن و موقعیت در خطبه‌های نهج البلاغه از دیدگاه تحلیل گفتمان ادبی
دکتر حمید قنبری، دکتر نورالدین پروین | ۳۳ |
| • تحلیل خویشکاری و شخصیت‌پردازی قصهٔ حضرت عیسی (ع) در ترجمهٔ تفسیر طبری بر اساس نظریهٔ ولادیمیر پراپ
دکتر علی خضری، علیرضا شیخیانی | ۵۵ |
| • جلوه‌های ادبیات مقاومت و پایداری در شعر شاعران شیعه با رویکرد به گفتمان رضوی
دکتر ابراهیم فلّاح | ۷۵ |
| • فنّ براعت استهلال در خطبه‌های نهج البلاغه
دکتر فرزانه رحمانیان کوشکی، دکتر ریحانه ملّازاده | ۹۷ |
| • زیبایی‌شناسی کاربرد عناصر عرفانی در اشعار حماسی - عرفانی دفاع مقدّس
دکتر سید علی سراج، علی رجبی | ۱۲۹ |
| • تحلیل معناشناختی بافت متنی «خلود» در قرآن کریم
دکتر کلثوم صدیقی | ۱۶۱ |

بررسی ادبی "ملحمة کربلا"ی سعید عسلی و "ملحمة الحسین" جورج شکور دو شاعر معاصر لبنان

دکتر مهین حاجی‌زاده^۱

حکیمه مطلبی^۲

چکیده

حادثه عاشورا یکی از صحنه‌های ماندگار در صفحات تاریخ است و امام حسین (ع) به عنوان قهرمان آن صحنه و نماد مقاومت، دل هر انسانی را از هر زبان و ملتی مجذوب خود ساخته و با جاری شدن بر زبان اهل ذوق و ادب جاودانگی آن را رقم زده است. سعید عسلی به عنوان یک شاعر شیعی و جورج شکور به عنوان یک شاعر مسیحی کشور لبنان، در زمره شاعران مقاومت هستند که با مطالعه منابع تاریخ و حوادث اسلام، حادثه عاشورا را در قالب شعر به تصویر کشیده‌اند. پژوهش حاضر در صدد است تا با رویکرد تطبیقی و با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی به بررسی سیر قصصی حسینی در ملحمة کربلائی سعید عسلی و ملحمة الحسین جورج شکور بپردازد. واکاوی اشعار این دو شاعر مبین آن است که پیوند میان حماسه حسینی و ادبیات پایداری معاصر لبنان، علت روی آوردن این دو شاعر لبنانی به سرودن تاریخ امام حسین (ع) می‌باشد و تفاوت در مذهب تأثیری در دیدگاه دو شاعر نداشته؛ بلکه هر دو در توصیف روز عاشورا تاریخ را با احساس خویش در آمیخته‌اند و با اشاره به مسئله مقاومت، امام حسین را نماد مقاومت می‌دانند.

واژگان کلیدی: امام حسین (ع)، سعید عسلی، جورج شکور، ملحمة کربلا، ملحمة الحسین.

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، نویسنده مسئول hajizadeh_tma@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان matallebi@yahoo.com

مقدمه

حادثه عاشورا و شهادت جانسوز امام حسین (ع) یکی از تأثیرگذارترین حادثه‌هایی است که در تمامی گسترده‌ها مشتاقان را به اظهار ارادت واداشته است. در این میان حوزه ادبیات نیز به نوبه خود از این دریای بیکران توشه‌ها برداشته و بهره‌ها برده است و شعرا و ادبا-از هر زبان و مذهبی- در طول تاریخ به فراخور هنر و ادب و توانایی خود، به امام حسین (ع) اظهار ارادت نموده‌اند. در ادبیات عرب، خوارزمی اولین شعر حسینی را به عقبه بن عمر السهمی- که از شاعران سده اول هجری است- نسبت می‌دهد. (خزعلی، ۱۳۸۳: ۶۷) محسن الامین نیز سروده‌های او را جزو اولین اشعار عاشورایی می‌داند، آن‌گاه که در اواخر قرن اول به زیارت قبر حضرت می‌رود و مرثیه‌سرایی می‌کند. (امین، ۱۳۷۴: ۱۴۶) در میان شاعران حسینی، شیعیان بیش‌ترین سهم را به خود اختصاص داده و با احساس درونی خویش به رثای امام حسین (ع) پرداخته‌اند. از جمله شاعران شیعی که در مورد امام حسین (ع) شعر سروده‌اند، سید حمیری، دعبل خزاعی و مهیار دیلمی در سده‌های پیشین و در عصر معاصر سعید العسلی را می‌توان نام برد.

شهادت امام حسین (ع) علاوه بر شیعیان، ادیبان و شاعران غیر مسلمان را هم مجذوب خود ساخته و آن‌ها با مطالعه منابع تاریخ اسلام در آثار منظوم و منثور خود شهادت آن حضرت را به تصویر کشیده‌اند. از جمله آن‌ها می‌توان به آنتوان بارا ادیب مسیحی اشاره کرد که در کتاب «امام حسین در اندیشه مسیحیت»، مرجع همه مظلومان و ستمدیدگان را - از هر مذهب و مکان - به حقیقت، امام حسین (ع) که منبع کرامت و انصاف و عدل و امان است می‌داند. از این رو حسین را شهید اسلام، مسیحیت، یهود و همه ادیان و عقاید انسان می‌شمارد. (بارا، ۱۳۸۹: ۵۳)

در میان این‌ها، اهل جنوب لبنان هم - چه مسلمان و چه مسیحی - که در طول سال‌ها از نزدیک شاهد تجاوزها و غارتگری‌های صهیونیسم بوده و به یقین دریافته‌اند که جز مقاومت راهی برای سعادت‌مندی و عزت نداشتند، ریشه‌های این مقاومت و پایداری را در حق‌جویی و شهادت‌طلبی نهضت کربلا می‌یابند و این باور تاریخی در ادبیات متعهد و معاصر لبنان مشهود است.

سعید عسلی از شاعران شیعه و معاصر لبنان است که تاریخ امام حسین (ع) را در ملحمة کربلا به تصویر کشیده است. او این ملحمة را در سال ۱۹۸۲م. در بیش از شش هزار بیت سروده است. شاعر- آن‌گونه که در مقدمه بیان می‌کند- رنجی بسیار را برای تنظیم ملحمة و هماهنگی کامل آن

با حوادث تاریخی واقعه عاشورا متحمل شده است، به گونه‌ای که هفده ماه خواب شب را بر خود حرام کرده و به سرودن قضایای تاریخی که در روز آن را مطالعه کرده - پرداخته است. او مراحل ادبی خویش را به این شرح بر می‌شمارد: ۱- مطالعه مصادر تاریخی، جمع‌آوری اخبار و ایجاد ارتباط و پیوستگی میان آنها؛ ۲- تسلط یافتن به موضوع و به نظم درآوردن آنها؛ ۳- ارایه خلاصه‌ای از حادثه تاریخی مرتبط با اشعار در حاشیه کتاب به منظور اشراف خواننده به اصل قضیه تاریخی. (خزعلی، همان: ۲۰۲)

جورج شکور نیز از شاعران معاصر و مسیحی لبنانی است که در پی مطالعات تاریخی خود، تاریخ مربوط به پیامبر (ص) و امام علی (ع) و امام حسین (ع) را به ترتیب در آثار "ملحمة النبوی، ملحمة العلی و ملحمة الحسین" به تصویر کشیده است؛ این شاعر در ملحمة الحسین تاریخ را با احساس درونی خویش درآمیخته و به صورت شعر به همگان عرضه داشته است.

۱- بیان مسئله

امام حسین (ع) به عنوان نماد مقاومت و حادثه عاشورا به عنوان مرکز ثقل و تجلی‌گر این مقاومت در جای جای جهان اسلام شهرت دارد. حادثه کربلا و شهادت امام حسین (ع) علاوه بر این که در ادبیات ملت‌های مسلمان بخشی وسیع را به خود اختصاص داده؛ وارد ادبیات ملت‌های دیگر نیز شده است و امام حسین (ع) فراتر از مذهب شیعه؛ بلکه فراتر از اسلام، حتی فراتر از دین، در جای جای جهان رمز ایستادگی و آزادگی، عزت نفس و ظلم ستیزی شده و علاوه بر اندیشمندان مسلمان، مورخان و اندیشمندان و شاعران غیر مسلمان را به تأمل در چرایی این حماسه ماندگار واداشته است.

از جمله شاعران و ادیبان غیر مسلمان که در مورد امام حسین (ع) شعر سروده‌اند، جورج شکور شاعر معاصر مسیحی لبنانی و شاعر مقاومت می‌باشد که با مطالعه تاریخ و حوادث اسلام و از آن جمله حادثه عاشورا را در قالب شعر در اثر خود با نام "ملحمة الحسین" به تصویر کشیده است که در پژوهش حاضر، ملحمة او را با "ملحمة کربلا"ی سعید عسلی که شاعر مسلمان لبنانی است مقایسه کرده تا ضمن این که نشان دهیم امام حسین (ع)، شخصیتی جهانی است و واقعه عاشورا نزد همه ادیان عظمت دارد، به شیوه واکاوی این واقعه در این دو ملحمة و تشابه دیدگاه‌های دو شاعر با دو دین متفاوت بپردازیم.

۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت و ضرورت چنین پژوهشی از آن رو است که ضمن آشنایی با جورج شکور شاعر مسیحی و دیدگاه‌های وی درباره واقعه عاشورا که تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته است، دیدگاه و شیوه کار وی را در بررسی حوادث و تاریخ اسلام به ویژه رخداد عظیم عاشورا با دیدگاه یک شاعر مسلمان شیعی بررسی کرده تا اثبات کنیم که امروز دیگر این اندیشه که امام حسین (ع) تنها به شیعه تعلق دارد، اندیشه‌ای پوچ و بدون پشتوانه است؛ بلکه امام حسین (ع) و قیام عاشورا فلسفه‌ای جهانی دارد.

۳- هدف پژوهش

این پژوهش با هدف بررسی ملحمة کربلای سعید عسلی و ملحمة الحسین جورج شکور که به صورت تطبیقی و بر اساس اصول مکتب آمریکایی^۱ انجام یافته است، در پی پاسخ دادن به پرسش‌های ذیل است:

۴- پرسش‌های پژوهش

- ۱- دلیل اصلی گرایش این دو شاعر معاصر لبنان به سرودن تاریخ امام حسین (ع)، چیست؟
- ۲- آیا این دو شاعر از یکدیگر تأثیر پذیرفته و از منابع تاریخی مشترک استفاده کرده‌اند؟
- ۳- تا چه میزان عاطفه در شعر این دو شاعر حضور دارد؟

۵- پیشینه پژوهش

درباره پیشینه این پژوهش می‌توان گفت شخصیت والای امام حسین (ع) و عظمت فاجعه کربلا و جاودانگی قیام او؛ همواره در طول تاریخ، مورد توجه اندیشمندان مسلمان و غیر مسلمان قرار گرفته و هر کدام در این زمینه، سهمی به خود اختصاص داده‌اند و بالطبع پژوهش‌هایی نیز در این زمینه انجام شده است:

از آن جمله: کتابی در سال ۱۹۷۸ با عنوان «امام حسین (ع) در اندیشه مسیحیت» توسط آنتوان بارا به رشته تحریر در آمده است و پژوهشی دیگر در سال ۱۳۸۹ با عنوان «سیمای امام حسین (ع) در شعر عاشورایی معاصر عربی و فارسی» توسط عبدالعلی لنگرودی و نرگس انصاری صورت گرفته و پژوهشی نیز در سال ۱۳۹۱ تحت عنوان «نگاهی به عناصر ادبی در منظومه حماسی کربلاء» توسط

عبدالحسین فقهی و سید مهدی نوری کیدقایی انجام شده است؛ در مورد جورج شکور نیز می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: پژوهشی در سال ۱۳۹۰ تحت عنوان بررسی زندگی جورج شکور و ملحمة العلی وی توسط رضا محمدی ماوی انجام گرفته است. هم چنین پایان‌نامه‌ای در سال ۱۳۹۲ با عنوان ترجمه و شرح موضوعی دیوان "عنهم و عتی" جورج شکور توسط ابوالفضل علیزاده به فرجام رسیده است. نیز پایان‌نامه‌ای دیگر در همین سال با عنوان ترجمه و شرح ادبی، موضوعی ۱۶۳ بیت از دیوان "عنهم و عتی" جورج شکور توسط ندا ترابی میرزایی صورت گرفته است.

پایان‌نامه‌ای در سال ۱۳۹۳ تحت عنوان پیامبر اعظم (ص) در آینه "ملحمة الرسول" جورج شکور توسط محبوبه اکبری انجام گرفته؛ اما طبق بررسی‌های به عمل آمده تا جایی که نگارندگان اطلاع دارند پژوهشی تطبیقی در راستای ملحمة کربلائی سعید عسیلی و ملحمة الحسین جورج شکور صورت نگرفته است.

۶- زندگی‌نامه (بیوگرافی) اجمالی دو شاعر

۱-۶: زندگی‌نامه سعید عسیلی

سعید عسیلی از شاعران معاصر لبنان است که در سال ۱۹۲۹ میلادی در یکی از روستاهای جبل لبنان به نام «رشاف» به دنیا آمد. وی دوران خردسالی را در همین روستا سپری کرد و در هفت سالگی از جانب پدر به مکتب خانه فرستاده شد تا به فراگیری قرآن و تمرین خط و یادگیری حساب پردازد. عسیلی از همان کودکی به شعر، ادبیات و مطالعه دیوان شعرای بزرگ امثال متنبی و شریف رضی پرداخت. شور و اشتیاق وی به مطالعه چندان بود که به علت وضعیت ناگوار اقتصادی و معیشتی گاه مجبور می‌شد برخی کتاب‌ها را اجاره بکند و بعد از خواندن به صاحب آن برگرداند. (فقهی، ۱۳۹۱: ۱۱۲)

افزون بر این شور و قریحه خدادادی، طبیعت و محیط سبز و خرم جنوب لبنان نیز در شکوفایی این قریحه بی‌تأثیر نبود. جایی که به گفته خود شاعر «زیر هر سنگ و شاخه زیتون آن، شاعر یا ادیبی را می‌یابی». (عسیلی، ۱۹۸۲: ۱۵) بعد از سپری شدن کودکی، در نتیجه شرایط سخت معیشتی در سال ۱۹۴۸ وارد نیروی نظامی شد و به ناچار از سرایش شعر به صورت رسمی دست کشید. وی مدت ۳۰ سال در آن‌جا خدمت کرد که در این مدت به صورت پراکنده، برخی اشعار خود را در مجله‌های ادبی و محلی لبنان با نام مستعار «الشاعر الحزین» منتشر می‌کرد. بعد از بازنشستگی، اولین

اثر خود یعنی دیوان شعرش را با عنوان «الشاعر الحزین» در سال ۱۹۷۹ منتشر نمود و به دنبال آن به پیشنهاد یکی از دوستان به سرودن حماسه‌هایی در مورد تاریخ اسلام و زندگانی اهل بیت (ع) پرداخت و چهار حماسه عظیم و پر حجم پدید آورد. (همان، ۱۸-۲۱)

از جمله آثار وی: شاعر الحزین (دیوان شعر)، مولدالنور (حماسه شعری)، ابوطالب کفیل الرسول (حماسه شعری)، علی و الحسین (حماسه شعری)، کربلاء (حماسه شعری) و جز آن‌ها را می‌توان نام برد.

۶-۲: زندگی‌نامه جورج شکور

جورج شکور در سال ۱۹۳۵ در روستای شیخان در جبل لبنان به دنیا آمد و پس از طی دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه در دانشگاه سن ژوزف بیروت به تحصیل در ادبیات عرب و تاریخ تمدن پرداخت و پس از آن تدریس و تعلیم را آغاز کرد. (زائری، ۱۳۸۹: ۱۱۵) وی از آن زمان که دانشجو بود به تدریس اشتغال داشت سپس به عنوان استاد و رئیس دانشکده خاورمیانه لبنان در بخش زبان عربی منصوب گردید. مجتمعی فرهنگی را در روستای شیخان پایه گذاری کرد و در گروه‌های فکری و فرهنگی شرکت می‌کرد و مهم‌ترین آن نشست فرهنگی در منطقه جبل بود و شروع به سرودن شعر نمود در حالی که هفده سال بیش‌تر نداشت و شعرش نه تنها از طریق رادیو؛ بلکه در روزنامه‌ها و مجلات لبنانی مانند تلگراف، النهار، الانوار، السفير، الاسبوع العربی و النهار العربی و الدولی منتشر شد. (هیئة المعجم، ۲۰۰۲: ۷۱۴/۱) در سال ۱۹۷۱ مجموعه شعری اش «وحدھا القمر» یعنی (فقط او ماه است) را با مقدمه ستایش آمیز اخطل صغیر شاعر بزرگ لبنانی منتشر کرد و در همان حال به تصحیح و نشر دیوان‌های برخی شعرای معاصر عرب (مانند احمد شوقی و سعید عقل) اشتغال داشت. در سال ۲۰۰۱ کتاب حماسه حسین (ع) و در سال ۲۰۰۷ کتاب حماسه امام علی (ع) از وی منتشر شد حماسه حسین (ع) به دنبال آن به زبان‌های فرانسه و انگلیسی نیز ترجمه گشت. وی اکنون عضو مجمع فرهنگی عرب و اتحادیه نویسندگان لبنانی است و هم‌چنان به تدریس و تعلیم اشتغال دارد. (زائری، همان: ۱۱۵) او چندی پیش نیز کتاب حماسه پیامبر (ص) را منتشر کرد که در حدود هزار و ششصد بیت در بیان زندگی پیامبر اکرم (ص) و تاریخ اسلام است. او علاوه بر این موارد یک قصیده به نام «شدی الشیراز» یعنی (بوی خوش شیراز) نیز سروده که شیراز و دو شاعر بزرگ ایرانی یعنی سعدی و حافظ را وصف کرده است.

شکور از نخستین کسانی به شمار می‌رود که در اشعار خود به موضوع مقاومت و مبارزه با اشغالگران صهیونیست پرداخته است. این شاعر مسیحی اعتقاد دارد "تا به امروز هیچ شاعری نتوانسته دین خود را به امام حسین(ع) در شعر ادا کند". (همان، ۱۸۰-۱۸۱) ویژگی شعرهای شکور که او را از دیگر شاعران متمایز می‌کند پابندی به قالب‌های کلاسیک شعر عرب و به ویژه غزل‌های عاشقانه است. این شاعر لبنانی به جز شعرهای عاطفی، سروده‌هایی در مورد وطن و اجتماع نیز دارد. هم‌چنین جورج شکور ملقب به شاعر حماسه و زیبایی است. وی شاعر اصالت و مدرنیته است به گونه‌ای که برخی او را استادی در میان شعرا می‌شناسند.

۷- معرفی ملحمة کربلا و ملحمة الحسین

ملحمة در لغت یعنی واقعه‌ای بزرگ که دارای کشت و کشتاری شدید است و گفته شده که آن محل کشتار نیز هست، و الحمت القوم (قوم را گوشت گرداند) زمانی به کار می‌رود که قوم را طوری بکشی که تبدیل به گوشت شوند. (ابن منظور، بی تا: ۵۳۵-۵۳۸) و در اصطلاح شعری داستانی و روایی با زمینه قهرمانی و صبغه قومی و ملی است که غالباً زندگی قهرمانان را روایت می‌کند و موضوعاتش بر محور اعمال قهرمانی‌اشان در جنگ دور می‌زند. (بقاعی، ۱۴۰۵: ۲۲۴) هر ملحمة‌ای قهرمانی دارد که نبی‌الملحمة نامیده می‌شود و این دو نوع می‌باشد: یکی نبی‌القتال و دیگری نبی‌الصلاح که امور مردم را تدبیر و اصلاح می‌کند. (ابن منظور، همان) هم چنین او نمونه‌الای انسانی است که زندگی و رفتارش مورد الگو قرار می‌گیرد. (ذنون، ۱۹۹۶: ۲۰۹)

چنان که گفته شد؛ هر ملحمة قهرمانی دارد و قهرمان اصلی ملحمة کربلا، امام حسین(ع) می‌باشد. عسلی در این ملحمة پس از مقدمه به شرح ولادت امام حسن(ع) و امام حسین(ع) می‌پردازد. در آغاز با اشاره به رشد آن حضرت در دامان وحی و مقام ایشان در نزد پیامبر اکرم(ص) و در میان مسلمانان وارد موضوع اصلی می‌شود پس از به تصویر کشیدن جامعه آن روز و شخصیت فاسد یزید، مسئله بیعت با یزید و موضع گیری امام حسین(ع) را به تفصیل شرح می‌دهد و آن‌گاه به واقعه روز عاشورا می‌پردازد و ضمن بیان خطبه‌های سیدالشهدا و یاران ایشان نحوه به شهادت رسیدن هر کدام از آن‌ها را توصیف می‌کند. سپس به حوادث بعد از روز عاشورا روی می‌آورد و عبور اهل بیت(ع) از کوفه و خطبه حضرت زینب(ع) در آنجا و ورود اهل بیت(ع) به شام را به تفصیل به تصویر می‌کشد و ملحمة را با خطبه حضرت سجاد(ع) در شام به پایان

می‌رساند. توضیحاتی که شاعر در پاورقی ملحمة آورده نشان می‌دهد که تاریخ را مطابق واقعیت‌های تاریخی به نظم در آورده است.

در ملحمة الحسین نیز چنان که از نامش پیدا است، قهرمان اصلی آن، امام حسین (ع) می‌باشد. جورج شکور در این ملحمة پس از اشاره اجمالی به تاریخ اسلام و واقعه غدیر و رشد آن حضرت در دامان پیامبر اکرم (ص) وارد موضوع می‌شود و در آن به دنبال بیان مسئله بیعت با یزید و موضع‌گیری امام (ع) در برابر آن و هم‌چنین پس از سیر حرکت امام (ع) به سوی مکه به واقعه روز عاشورا می‌پردازد. شاعر در توصیف روز عاشورا مظلومیت امام حسین (ع) و یاران و نیز عظمت مصیبت آن حضرت را به تصویر می‌کشد و شهادت امام (ع) را به برخی شخصیت‌های تاریخ تشبیه می‌کند سپس با اشاره به اوضاع کنونی فلسطین و جنوب لبنان زمان حال را به گذشته ارتباط می‌دهد و ملحمة را به پایان می‌رساند.

۸- بررسی تطبیقی ملحمة کربلای سعید عسلی و ملحمة الحسین جورج شکور

با بررسی این دو ملحمة به اشتراکاتی برمی‌خوریم که نشان می‌دهد، هر دو شاعر سعی کرده‌اند با مطالعه منابع تاریخ اسلام، تاریخ را مطابق با واقعیت‌های آن بیان کنند. هر دو ملحمة از سه قسمت مقدمه، موضوع و خاتمه تشکیل می‌شود. با توجه به این که هر سه قسمت را نمی‌توان در یک مقاله بررسی کرد، در این پژوهش پس از اشاره اجمالی به مقدمه و تعلیم و تربیت امام حسین (ع)، فقط به موضوع اصلی پرداخته می‌شود.

۸-۱: شروع ملحمة

مقدمه یکی از اجزای اصلی ملحمة است. هر دو شاعر قبل از ورود به موضوع اصلی با مقدمه‌ای زمینه را برای ورود به موضع اصلی آماده می‌کنند.

جورج شکور، شاعر مسیحی ملحمة خود را چنین آغاز می‌کند:

عَلِي الصَّمِيرِ دَمٌ كَالنَّارِ مَوَّارٌ	إِنْ يُذْبِحِ الْحَقُّ، فَالذَّبَّاحُ كَفَّارٌ
دَمٌ «الْحُسَيْنِ» سَخِيٌّ فِي شَهَادَتِهِ	مَا صَنَعَ هَدْرًا، بِهِ لِلْهُدَى أَنْوَارٌ

(شکور، ۲۰۰۳: ۷)

«در ضمیر انسان و باطن انسان خونی مانند آتش وجود دارد که شعله‌ور می‌شود در صورتی که حق سربریده می‌گردد و زیر پا گذاشته شود و ذبح کنندگان کافر باشند. / خون حسین سخاوتمندانه

در قربانگاهش جاری می‌شود البتّه نه تنها به هدر نرفت و ضایع نگشت؛ بلکه نورها به وسیله آن هدایت یافتند.»

جورج شکور در اولین بیت از ملحمة خود، با شروع حماسی گونه بیان می‌کند که هر جا که حقّ زیر پا گذاشته شود و آن توسط کافران انجام گیرد، در وجود انسان خونی مانند آتش شعله‌ور می‌گردد و به دنبال آن توضیح می‌دهد که خون حسین در راه حقّ ریخته شده، اما این خون به هدر نرفته بلکه وسیله هدایت شده است. دلیل آن که این شاعر مسیحی، شعر خود را با این بیت شروع کرده، اعلام این نکته است که امام حسین (ع) مختصّ شیعه نیست بلکه شجاعت و ایثار حضرت سیدالشهدا همه را متحقّر کرده است و مظلومیت ایشان، دل هر انسانی را به درد می‌آورد.

شاعر با این بیت تلاش می‌کند زمینه را برای ورود به موضوع اصلی هموار سازد، در واقع با ایجاد هیجان در احساسات خواننده، میزان غم و اندوه ناشی از آن واقعه بزرگ را به تصویر می‌کشد. جنبه عاطفی این بیت از خلال ارتباط این واقعه بزرگ با ضمیر و وجدان بشری و نیز از خلال مجاز به کار رفته در عبارت "إِنْ يُذْبِحِ الْحَقُّ" آشکار می‌شود؛ در این عبارت واژه "حق" در معنای مجازی به کار رفته؛ چرا که مقصود از آن گوینده حقّ، یعنی امام حسین (ع) می‌باشد. و ذبح حقّ به بیت معنای روحی متمایزی می‌دهد که ضمیر بشریت را بیدار می‌سازد.

وی، شهادت را مختصّ قهرمانان آزاده و به ویژه امام حسین (ع) می‌داند. از سویی شاعر در این ابیات به ویژگی سخاوت و جوانمردی امام حسین (ع) گریزی می‌زند و فداکاری‌های بی‌نظیر وی را از آثار بخشش و سخاوت او می‌داند.

سعید عسلی، شاعر شیعی نیز ملحمة خود را با این ابیات آغاز می‌کند:

يَا سَائِلِي: أَيُّ ذَرْبٍ أَنْتَ تَسْلُكُهُ وَ أَيُّ خَطٍّ لَهُ تَسْعَى وَ تَرْتَجِلُ
فَاعْلَمْ بِأَنِّي عَلَى خَطِّ الْحُسَيْنِ وَ قَدْ نَدَرْتُ شِعْرِي لِأَهْلِ الْبَيْتِ إِنْ قَبِلُوا

(عسلی، ۱۹۸۶: ۱۸)

«ای سؤال کننده که از من می‌پرسی کدامین راه را پیموده‌ای و کدام خطّ است که برای آن حرکت می‌کنی و به سوی آن کوچ می‌کنی؟ / بدان که من بر خطّ حسینم و شعرم را برای اهل بیت نذر کرده‌ام اگر بپذیرند و قبول کنند.»

عسلی با دو مقدمه آغاز می‌کند که مدخلی برای ورود به زندگی امام حسین (ع) می‌باشد؛ در مقدمه نخست انگیزه خود را از سرودن ملحمة بیان می‌کند و به حزن و اندوهی که به خاطر مصیبت

امام حسین (ع) زندگی او را فرا گرفته اشاره می‌نماید. وی از همان ابتدا شعر خود را تقدیم به اهل بیت می‌کند و در مقدمهٔ دوم با عنوان «المدخل» به مدح و ثنای امام و ذکر بزرگی و فضیلت آن حضرت می‌پردازد و بزرگی‌ها را در برابر او کوچک می‌شمارد. و در قصیده‌ای دیگر به نام «بین یدی الحسین» شاعر از احساسات خود نسبت به امام (ع) سخن می‌گوید و خلاصه‌ای از آن چه که به آن خواهد پرداخت، شرح می‌دهد.

۸-۲: حسین دست پروردهٔ نبی (ص)

آن چه درباره رشد و نمو امام حسین (ع) می‌دانیم، آن است که رسول خدا (ص) اوصاف اساسی و همه چیز را که لازم می‌دید در وجود امام حسین (ع) پرورش داد و حسین (ع) در موضع تربیت از سوی جدش، عقل و وجودش را به کار گرفت و خود را الگوی مجسم رفتار و اعمال رسول خدا می‌ساخت. پیامبر (ص)، وی را در بوستان نبوت پرورش داد تا این که شکوفه کرد و رایحهٔ خوشبوی خودش را منتشر ساخت و بوی عطر حقیقت الهی را در فضای اعتقادات اسلامی پراکنده ساخت. پس او ریحانهٔ پاک رسول خدا شمرده می‌شد که چون از اصلی نیکو و پاک گرفته شده بود، خود پاک و نیکو به چشم می‌آمد. (بارا، ۱۳۸۹: ۲۷۷)

جورج شکور در بیت‌های زیر به این امر اشاره می‌کند:

أَمَّا «الْحُسَيْنُ» رَيْبٌ لِلنَّبِيِّ أَمَّا نَمَالَهُ فِي فُؤَادِ الْجَدِّ إِيْثَارٌ؟
وَقَبْلَ الثُّغْرِ يَجْبُو رُوحَهُ نَسْمًا كَمَا تَفَاوَحُ فِي الْأَشْحَارِ أَزْهَارُ

(شکور، ۲۰۰۳: ۷-۸)

«مگر حسین دست‌پرودهٔ پیامبر (ص) نبود؟ مگر ایثار و فداکاری در قلب جدش برای او رشد نکرده بود؟/ و دهان و دندان را بوسید تا در روح او از جان خود بدمد، چنان که در سحرگاهان گل‌ها و گیاهان در آغوش هم عطر افشانی می‌کنند.»

عسیلی نیز در ابیات زیر به این موضوع اشاره می‌کند:

أَنَا فَرْحُكَ الْعَالِي وَ سَبْطُكَ يَا أَبِي وَ مَنْ اعْتَنَيْتَ بِسُودْدِي وَ كَمَالِي
وَ أَنَا الَّذِي عَانَقْتَنِي وَ سَقَيْتَنِي مِنْ مَاءِ ثُعْرِكَ طَاهِرِ السَّلْسَلِ

(عسیلی، ۱۹۸۶: ۱۲۶)

«من دردانه گرانقدر و نوۀ تو هستم ای پدر و ای کسی که به سروری و کمال من توجه داشتی / همان هستم که مرا در آغوش کشیدی و از آب پاک و بهشتی دهانت سیرابم کردی.»

هر دو شاعر در پی مطالعاتی به رشد و نموّ امام حسین (ع) اشاره می‌کنند. جورج شکور می‌گوید: که حسین (ع) نوۀ هدایت شدۀ جدّش بود و ایثار و فداکاری هم‌چون رشد گلی خوشبو در بهشت در قلبش برای او، رشد و نموّ کرد.

شاعر وجود ضمیر امام حسین (ع) را متأثر از پیامبر (ص) می‌داند و در جایی بوسۀ پیامبر از لبان امام حسین (ع) و دمیدن روحش در وجود او را به انتشار رایحۀ خوش گل در ریه‌ها و جای گرفتن آن رایحه، در وجود، تشبیه می‌کند. شکور با به کار بردن وزن فعیل برای "ریب الرسول" بدون درنظر گرفتن قیده‌های زمانی در صدد بیان این نکته است که امام حسین (ع) همواره در طول حیاتش در مکتب رسول اکرم (ص) (چه در زمان حیات آن حضرت و چه بعد از وفاتش) رشد و تربیت یافته است.

عسلی نیز به زبان خود امام حسین (ع)، این امر را بیان کرده و می‌گوید: که امام نوۀ پیامبر (ص) بوده که همواره و از آغاز تولّد به او توجه داشته و در دامان او بزرگ شده است؛ او را در آغوش کشیده و از آب پاک دهانش او را سیراب کرده و از دهان او تغذیه کرده است. علاوه بر این ابیات عسلی در جاهای دیگر ملحمة نیز به این موضوع اشاره می‌کند.

۸-۳: درخواست بیعت از امام (ع) و موضع‌گیری ایشان در برابر آن

وقتی نامه یزید به ولید بن عتبة رسید و او را از مرگ معاویه آگاه ساخت، ناراحت شد و کسی را نزد مروان بن حکم فرستاد تا او را طلب کند. وقتی مروان آمد ولید نامه یزید را که متضمّن مرگ معاویه بود، برای او خواند و با وی درباره شیوۀ اتخاذ بیعت گرفتن از امام حسین (ع) مشورت کرد. مروان به او گفت: او را فرا خوان و از او بیعت بگیر؛ اگر قبول کرد که هیچ و گرنه سر از بدنش جدا کن. ولید، عبدالله بن عمر را نزد امام حسین (ع) فرستاد و او را طلب کرد. وقتی امام (ع) نزد ولید آمد او ماجرای بیعت با یزید را به امام (ع) گفت. ایشان در جواب او گفت: به خدا سوگند به طور پنهانی بیعت نمی‌کنم مگر به صورت آشکارا، تا همه مردم بدانند و... (قمی، ۱۳۹۰: ۹۷-۹۹)

جورج شکور با توجه به این بخش از تاریخ این واقعه تاریخی را به اختصار شرح داده و چنین بازگو می‌کند:

هَذَا «يَزِيدُ» دَعَى الْحُكْمَ يُنْذِرُهُ
 رَدَّ «الْحُسَيْنُ» بِ «لَا» كَالسَّيْفِ صَارِمَةً
 حَارَ «الْوَلِيدُ» فَمَا عَدَرَ الْحُسَيْنِ سِوَى
 خَسِرْتُ دِينِي وَ جَنَاتِ النَّعِيمِ إِذَا
 وَ هَلْ يُبَايِعُ بِالْأَحْكَامِ فُجَارُ؟!
 وَ سَيْدُ الْحَقِّ بِ «الْأَلَاءَاتِ» زَأُرُ
 عَدِرُ بِرَأْسِ بِهِ، يَسْتَكْبِرُ الْعَارُ
 خَسِرْتُهُ، مَا أَنَا، وَاللَّهِ، جَزَارُ

(شکور، ۲۰۰۳: ۱۳)

«یزید - این لافزن غاصب حکومت - تهدیدش می کند و راستی آیا با ستم پیشگان می توان در فرمان خدا بیعت کرد؟/ «حسین» پاسخ «نه» را چون شمشیری بر آن بر او فرود آورد و پیشوای حق در گفتن «نه» چون شیر می غرد/ ولید سرگردان شده بود، می دانست خیانت ورزیدن به حسین خیانت به سری است که درخت غار به آن می بالد./ با خود می گفت: اگر او را به کام مرگ بکشام دین و آخرتم را از دست داده ام، سوگند به خدا من ستمکار نیستم.»

عسلی نیز همین واقعه را چنین به تصویر می کشد:

بَعَثَ الْوَلِيدُ إِلَى الْحُسَيْنِ فَجَاءَهُ
 أُرِيدُ مِنْكَ بِأَنْ تُؤَدِّيَ نَيْعَةً
 فَأَجَابَ سِبْطُ الْمُصْطَفَى وَ كَلَامُهُ
 مَنْ كَانَ مِثْلِي لَا يُبَايِعُ خَفِيَّةً
 وَ جَمَالُ طَلْعَتِهِ يَشَعُّ ضِيَاهَا
 لِيَزِيدَ يَضْفُو عَيْشُنَا بِصَفَاهَا
 دُرٌّ يَشَعُّ بَرِيقَهَا وَ حِلَاهَا
 وَ أَنَا خِلَالِ اللَّيْلِ لَنْ أَرْضَاهَا

(عسلی، ۱۹۸۶: ۱۱۸)

«ولید به سوی حسین فرستاد پس او آمد در حالی که زیبایی چهره اش چنان بود که نور از آن چهره می درخشید/ از تو می خواهم که با یزید بیعت بکنی تا زندگی ما با روشنی آن روشن شود./ پس نوه پیامبر اکرم (ص) جواب داد در حالی که کلامش مانند مرواریدی بود که درخشندگی و آراستگی آن بالا می آمد./ هر کس مثل من باشد، پنهانی بیعت نمی کند و من در خلال شب هرگز به آن راضی نخواهم شد.»

جورج شکور این بخش از تاریخ را به اختصار شرح داده و در آن به صراحت یزید را شخص فاسد تلقی کرده است که صلاحیت حکومت ندارد و به دنبال آن عدم پذیرش بیعت توسط امام حسین (ع) را که با گفتن «نه» همراه بوده به غرث شیران تشبیه می کند و در آخر به سرپیچی ولید از مروان که خواهان بریدن سر امام حسین (ع) بود به طور مختصر اشاره می کند.

عسلی در بازگو کردن این بخش از صفحه‌های تاریخ ابتدا به توصیف امام حسین (ع) می‌پردازد و صورت نورانی او را به گل‌های بهار در بالای تپه‌ها که شب‌نم روی آن‌ها نشسته تشبیه می‌کند و در ادامه، گفتگوی امام (ع) با ولید را به طور مفصل به نظم می‌کشد و در آن کلام آن حضرت را به مروارید تشبیه می‌کند. عسلی هم‌چنین گفتگوی ولید با مروان و مروان با امام حسین (ع) را در قطعه‌ای جداگانه می‌آورد. بیعت نکردن امام حسین (ع) به صورت پنهانی در شب غیر قانونی و نامشروع بودن درخواست یزید را بیان می‌کند.

۸-۴: زیارت قبر پیامبر (ص)

امام حسین (ع) شبی از منزلش بیرون آمد و به نزد قبر جلتش (ص) رفت و گفت: سلام بر تو ای رسول خدا، من حسین فرزند فاطمه، فرزندت و پسر فرزندت و نوه تو هستم که مرا در میان امت گذاشتی، پس ای پیامبر خدا، بر آنان شاهد باش که اینان مرا مخذول و ضایع کردند و مرا حفظ نمودند و این شکایت من به تو است تا تو را ملاقات کنم، پس برخاست و مشغول نماز شد. سپس کنار قبر گریست تا این که صبح سر روی قبر نهاد و خوابش برد، رسول خدا (ص) را در خواب دید که با گروهی از ملائکه می‌آیند، پس او را به سینه چسبانید و میان دو چشمش را بوسید و فرمود: حبیب من ای حسین! گویا تو را می‌بینم که به زودی در زمین کربلا به دست گروهی از امت من، در حال تشنگی کشته و در خونت آغشته می‌شوی و با این حال امید شفاعت مرا دارند، خداوند شفاعت مرا روز قیامت نصیب آنان نگرداند. حبیب من ای حسین! پدر و مادر و برادرت نزد من آمدند و مشتاق تو هستند و بدان که برای تو در بهشت درجاتی است که بدون شهادت به آن درجات نخواهی رسید. (قمی، ۱۳۹۰: ۱۰۳-۱۰۴)

جورج شکور این واقعه تاریخی را چنین به تصویر می‌کشد:

سَارَ «الْحُسَيْنُ» إِلَى تَرْبِ النَّبِيِّ تُقَى	مُسْتَلْهُمَا سِرَّةً، لَلْقَبْرِ أَشْرَاؤُ
صَلَّى مَلِيًّا، فَأَغْفَى، رَاوَدَتْهُ رُؤْيُ	أَنْ جَدُّهُ قَالَ مَا فِي الْقَوْلِ إِضْمَارُ
إِنِّي أَرَاكَ ذَبِيحَ «الطَّفِّ»، مُنْطَرِحًا	فِي «كَرْبَلَاءَ»، وَ مِنْكَ الدَّمُ فَوَارُ
ظَمَانٍ، وَيَلْكَ، لَا تُسْقَى، وَ هُمْ بِهِمْ	إِلَى شَفَاعَتِي السَّمْحَاءِ أَوْطَارُ

(شکور، ۲۰۰۳: ۱۴-۱۵)

«حسین (ع) فروتنانه به سوی قبر پیامبر (ص) رفت تا از قبرش الهام بگیرد، چرا که در قبر رازها وجود دارد/ نماز گزارد و در همان حال خوابش برد و در رؤیا جدش را دید که آشکارا و به روشنی با او سخن می گفت/ من تو را قربانی سرزمین طف می بینم در حالی که در کربلا در زمین افکنده شده ای و در خون خود غوطه وری./ (تو را می بینم) که کشته می شوی در حالی که تشنه ای، ای وای که آبت نمی دهند و با این حال خود را مسلمان می دانند و امید به شفاعت من دارند.»

سعید عسلی نیز همین واقعه تاریخی را این چنین می سراید:

وَقَفَ الْحُسَيْنُ بِلَهْفَةِ الْمَحْزُونِ	بَيْنَ الدُّمُوعِ وَ نَهْدَةِ الْمَسْجُونِ
يَتَأَمَّلُ الْقَبْرَ الشَّرِيفَ بِحَسْرَةٍ	أَلَمْهَا تُغْنِي عَنِ التَّيْبِينِ
سَتَكُونُ مَذْبُوحًا بِسَاحَةِ كَرْبَلَا	ذُبْحُ النَّعَاجِ بِلَهْدَمِ مَسْنُونِ
وَ الْأَرْضُ تَشْرَبُ مِنْ دِمَائِكَ بَعْدَمَا	تُلْقَى كَيْمِيًّا جَارَ بَعْدَ كَيْمِينِ
عَطْشَانُ لَا تُسْقَى وَ لَا تَرَوِي الْحَشَا	كَالرَّوْضِ لَا يُسْقَى بِمَاءِ الْجُونِ

(عسلی، ۱۹۸۶: ۱۲۹-۱۳۰)

«حسین (ع) با آهی غم انگیز و سرد که در بین اشکها زندانی شده بود، ایستاد/ به قبر شریف با حسرتی که دردهایش بیان کردن آن را بی نیاز می کند، نگاه کرد و تأمل نمود/ [پیامبر اکرم (ص) در خواب برای امام حسین (ع) می گوید:] در میدان کربلا هم چون قربانی شدن میش با نیزه تیز و برآن، قربانی خواهی شد./ و زمین از خون تو می نوشد و سیراب می شود بعد از آنچه پنهانی ظلم می کند/ تشنه ای و آبت نمی دهند و درونت سیراب نمی شود، مانند باغی که با آب خلیج سیراب نمی شود.»

جورج شکور این بخش از رخداد تاریخی را فقط در چند بیت و به صورت کلی آورده است. به این ترتیب که او فقط به رویای امام حسین در کنار قبر پرداخته و سخنان پیامبر (ص) را که در خواب به امام حسین می گوید به صورت اجمالی در شعر خود به تصویر کشیده است.

اما عسلی این واقعه تاریخی را در دو قطعه طولانی و به تفصیل شرح داده و خواب امام حسین (ع) را در قطعه ای جداگانه به تصویر کشیده است. عسلی ابتدا از حالت امام حسین (ع) در کنار قبر پیامبر (ص) که محزون و ناراحت بوده، سخن گفته و بعد به سخنان امام (ع) که با جد خود درد و دل می کند و از امت به او شکایت می کند، پرداخته و در ادامه سخنان پیامبر (ص) با امام حسین

(ع) را به نظم کشیده است. عسلی با هنرمندی تمام از تشبیه استفاده کرده و قربانی شدن امام حسین (ع) را به قربانی شدن میش تشبیه می کند که در سخنان پیامبر (ص) نبوده است و در آخر هر دو شاعر به مقام و منزلت امام حسین (ع) در بهشت که طبق سخن پیامبر تنها با شهادت به آن دست می یابد، اشاره کرده اند.

۵-۸: رفتن امام (ع) به مکه

امام حسین (ع) قبل از خروج از مدینه وصیت نامه ای به برادرش محمد بن حنفیه می نویسد که در متن نامه بعد از حمد و ثنای الهی و بعد از بیان این که محمد (ص) فرستاده او است که حق را از جانب او آورده و این که بهشت و جهنم حق است و قیامت بی شک خواهد آمد، چنین آمده است: «وَإِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي (ص) و...» «من از روی هوی و هوس و برای فساد و ظلم خارج نشده ام؛ بلکه برای اصلاح در امت جدتم بیرون آمدم و...» (قربشی، بی تا: ۱۱/۱) و بعد از آن امام (ع) به همراه فرزندان و خواهر و فرزند برادرش امام حسن (ع) و اهل بیت (ع) خود از مدینه به سوی مکه خارج شد در حالی که این آیه را می خواند: «فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (قصص/ ۲۱) (موسوی المقرم، بی تا: ۱۴۰) امام با خواندن این آیه حال خروج خود را از شهر مدینه، به حال خروج حضرت موسی (ع) از مصر تشبیه کرده است که آن حضرت از ترس فرعون مصر ناچار به ترک شهر و دیار و فرار از شهر گردید و امام حسین (ع) نیز به خاطر فرعون زمان خود، مجبور به رها ساختن خانه و کاشانه خود شد. (رسولی محلاتی، ۱۳۷۴: ۲۱۸)

جورج شکور این واقعه تاریخی را چنین توصیف می کند:

مَضَى إِلَى مَكَّةَ الْبَطْحَاءِ مُعْتَرِمًا
لَمْ يَتْنِهْ نَاصِحٌ، لَمْ تُجَدِ إِعْدَاؤُ
«لَا خَارِجًا أَشْرًا، لَا مُفْسِدًا بَطْرًا»
بَلْ هُمْ أُمَّتِهِ فِي الْبَالِ دَوَاؤُ

(شکور، ۲۰۰۳: ۱۷)

«با اراده استوار به سوی سرزمین مکه به راه افتاد در حالی که نه هیچ نصیحت گویی توانست بازش دارد و نه هیچ بهانه جویی توانست راهش را ببندد/ «نه طغیانگری و فتنه سازی، نه فسادانگیزی و خانه سوزی»؛ بلکه تنها دغدغه مردمانش را در خاطر داشت.»
عسلی نیز این واقعه را چنین سروده است:

عَزَمَ الْحُسَيْنُ عَلَى الرَّحِيلِ لِأَنَّهُ
لَا لَنْ يُبَايِعَ أَوْ يُهَادِنَ لَوْ غَدَتْ
مِنَ اضْطِهَادِ الْمُجْدِينَ مُهَدَّدُ
كُلِّ الْبَحَارِ بِمَائِهَا تَتَجَمَّدُ

(عسلی، ۱۹۸۶: ۱۴۱)

«حسین (ع) تصمیم به سفر گرفت؛ زیرا که او از فشار و شکنجه بی‌دینان تهدید می‌شد/ نه، او هرگز بیعت نمی‌کند یا به صلح، تن در نمی‌دهد حتی اگر آب همه دریاها منجمد شود.»
شکور این واقعه را به اختصار در ابیات خود آورده و در آن به عزیمت امام (ع) به سوی مکه و گوش‌فرا ندادن به نصیحت ناصحان اشاره کرده و بعد سخن امام (ع) را که در نامه‌اش به محمد بن حنفیه گفته، به صورت تضمین در شعر خود آورده و بیان کرده است که من از روی هوی و هوس خارج نشده بلکه به خاطر اصلاح امت خویش خارج می‌شوم.
شاعر بیان می‌کند که هنگامی که امام حسین (ع) شبانه با کاروانش به راه افتاد خورشید و ماه هم آن‌ها را همراهی کردند و شاعر از این امر (یک‌جا جمع شدن خورشید و ماه) اظهار تعجب می‌کند و به دنبال آن به خیانت کوفیان اشاره می‌کند، این که آنان فریب سگه‌های ابن زیاد را خوردند و یا این که اوضاع اجتماعی - اقتصادی آن زمان را به تصویر می‌کشد که مردم در فقر زندگی می‌کردند و از این روی سگه‌های ابن زیاد توانست آن‌ها را تطمیع کند که در پی آن، به امام (ع) خیانت کردند.

عسلی نیز این واقعه را در دو قطعه طولانی و جداگانه می‌آورد. او قبل از سیر حرکت امام (ع) به سوی مکه، به گفتگوی ایشان با محمد بن حنفیه اشاره می‌کند و آن را در قصیده‌ای جداگانه و طولانی به تفصیل شرح می‌دهد و بعد از آن به سفر امام حسین (ع) می‌پردازد و در آن، سفر آن حضرت را به سفر جدش پیامبر اکرم (ص) تشبیه می‌نماید و با اشاره به این که تمام موجودات هستی از رفتن امام حسین (ع) غمگین و ناراحت هستند، این واقعه تاریخی را به پایان می‌رساند.

۸-۶: تصویر روز واقعه

روز عاشورا روز جاودانگی حق، ایثار، فداکاری و شجاعت می‌باشد؛ آنچه که در آن روز گذشت، دل هر عاشقی را به سوز و می‌دارد؛ شاعران نیز با حزن و اندوه در تصویرپردازی آن روز هنرنمایی کرده‌اند؛ جورج شکور و سعید عسلی نیز از جمله شاعرانی هستند که عاشورا دل آن‌ها را به درد آورده است و در توصیف آن روز زبان به سخن گشوده‌اند.

جورج شکور این واقعه را چنین به تصویر می کشد:

زَيْنَ الشَّابِ، لَكُمْ تَهْوَاكَ أَشْعَارُ
رَامَحْتَهُمْ، وَ صَهِيلِ الْخَيْلِ حَمَحَمَةٌ
صَجَّتْ لِهَيْبَتِكَ الصَّخْرَاءُ مُجْفِلَةً
لَكِنْ هَوَيْتَ، وَ مَا فِي الْأُفُقِ كَوْكَبَةٌ
يَا وَيْحُهُنَّ عَلَى الْأَرْمَاحِ، دَامِيَةً
وَ النَّايِحَاتِ بِهِنَّ الْآهَ لَاهِبَةً
رَقَّتْ لَهُنَّ دُرُوبُ الْبَيْدِ، بَاكِيَةً

(شکور، ۲۰۰۳: ۲۶-۲۹)

«ای زینت جوانان! چه خوش است از تو سرودن، و چه شیرین است نشستن و از تو گفتن و از تو شنیدن / در گرما گرم شیهه اسبان، نیزه انداختی و نیزه انداختند. و در چکاچک برنده و تیز شمشیرها، تیغ کشیدی و تیغ کشیدند / از هیبت تو صحرا سراسیمه فریاد بر آورد، چنان که گویی طوفانی در صحرا وزیدن گرفت. / اما فرو افتادی و افول کردی و هیچ ستاره‌ای در افق نماند جز آن که به شدت بر تو گریست. / دریغا آن سرهای بریده و خون چکان بر نیزه‌ها، نخل‌هایی سبز را می ماند که خرماي سرخ بر آورده اند. / و دخترکان سوگوار که آه نفس‌هایشان شعله‌ور بود و چنان می گریستند که اشک، گونه‌هایشان را می خراشید. / دل جاده‌ها بر حالشان می سوخت و چشم بیابان بر ایشان می گریست و صلیب دیرهای صحرا به احترامشان خم می شد.»

عسلی نیز رخداد عاشورا را چنین می سرايد:

هَلَّا عَلِمْتَ يَوْمَ عَاشُورَا
فِيهِ الْحَرَائِرُ قَدْ بَكَينَ مِنَ الْأَسَى
وَ صَعَاظُهُنَّ تُعْجُ مِنْ فَرْطِ الظَّمَا
وَ تَلْفُ أَنْوَارِ الْيَقِينِ ضَلَالَةٌ
وَ صَهِيلِ خَيْلِ الظُّلْمِ قَدْ بَلَغَ الْمَدَى
وَ الشَّمْسُ تَحْتَضِنُ الرَّمَا حَ كَانَهَا

(عسلی، ۱۹۸۶: ۳۰۲)

«آیا دانستی که در روز عاشورا چه اندوه و بلایی جاری شده است؟! در آن (روز) زنان از رنج و اندوه گریه کرده‌اند و چشم‌هایشان از خوابیدن دوری کرده است (غم، خواب را از چشم‌هایشان ربوده است) // و کودکانشان از شدت تشنگی فریاد برآوردند در حالی که زمین پیرامون آن‌ها غرق در آب بود/ و گمراهی نورهای یقین را در هم پیچیده بود؛ مانند شب که ماه را با سیاهی در هم می‌پیچید/ شیئه اسبان ظلم، طولانی شده بود تا جایی که به نوک گنبد آسمان رسیده/ و خورشید نیزه‌ها را در آغوش کشیده بود گویا آن (نیزه‌ها) بر روی آن (خورشید) هزاران هزار پرده انداخته بود. (نشانگر زیادی سپاه دشمن است.»

جورج شکور در توصیف روز عاشورا ابتدا از این که از امام حسین (ع) می‌گوید اظهار خوشحالی کرده و با بیان این که امام حسین (ع) در برابر شمشیرهای ابن زیاد، شمشیر کشیده است، مقاومت و شجاعت آن حضرت را به تصویر می‌کشد و در ادامه با بیان این که صحرا در برابر هیبت آن حضرت فریاد برمی‌آورد و ستاره‌ها برای شهادت ایشان گریه سر می‌دهند؛ اندوه خود را به اوج می‌رساند و عظمت مصیبت آن حضرت را به گونه‌ای دیگر بیان می‌کند و در آخر با اشاره به گریه کودکان آن حضرت؛ مظلومیت یاران ایشان را توصیف می‌نماید؛ چرا که بعد از به شهادت رسیدن امام (ع) و یارانش، بازمانده‌های اندکی از آنان از جمله دخترکان بی‌گناه، چنان با سوز و آه و ناله گریه می‌کردند که گویی اشک روی گونه‌هایشان را می‌خراشید و حفره ایجاد می‌کرد، شاعر با این تصویرسازی، غم و اندوه آن روز را بیان می‌کند.

سعید عسلی با بیان این سؤال که چه چیزی از اندوه و بلا جاری شده؟ توصیف روز عاشورا را با لحنی تند و شدید آغاز می‌کند و بعد با اشاره به گریه‌های کودکان و تشنگی آن‌ها با وجود فراهم بودن آب در اطرافشان و هم‌چنین زنان و درد و غمی که خواب را از آنان ربوده، سنگدلی دشمن را به تصویر می‌کشد و مظلومیت یاران آن حضرت را بیان می‌دارد. سپس با بیان این که خورشید نیزه‌ها را در آغوش کشیده به فراوانی لشکر دشمن و نیزه‌های در حال پیکار اشاره می‌نماید و در ادامه خطبه‌های امام (ع) و یاران آن حضرت را در روز عاشورا توصیف می‌کند و شهادت هر کدام از آن‌ها را در قطعه‌ای جداگانه بیان می‌دارد. هم‌چنین بشارت امام حسین (ع) به اصحاب در مورد نزدیکی شهادت از محورهایی است که عسلی در ترسیم صحرای کربلا آن را مورد توجه قرار می‌دهد.

به نظر می‌رسد هر دو شاعر در توصیف روز عاشورا با استفاده از تشبیه و تشخیص، اندوه خویش را بیان کرده و موفق عمل نموده‌اند.

۷-۸: کربلا

هنگامی که امام حسین (ع) در زمین کربلا فرود آمد، فرمود: این جا را چه گویند؟ گفتند: عقر، حسین (ع) گفت: بار خدایا به تو پناه می‌برم از عقر (شکاف). و در تذکره ثبت آمده است: سپس امام (ع) فرمود: به این زمین چه گفته می‌شود؟ گفتند: کربلا، حضرت گریست و فرمود: کرب و بلاء (قمی، ۱۳۹۰: ۲۵۷) آن‌گاه فرمود: «هَذِهِ مَوْضِعُ كَرْبٍ وَ بَلَاءٍ هَهُنَا مَنَاخُ رِكَابِنَا وَ مَحْطُ رِجَالِنَا وَ مَقْتَلُ رِجَالِنَا وَ سَفْكَ دِمَائِنَا»، «این زمین جایگاه اندوه و بلا است، همین جا خوابگاه شتران ما و محل خیم ما و جای ریختن خون‌های ما می‌باشد.» (شریفی، ۱۳۷۹: ۴۱۸) و بعد ایشان مشتی از خاک را برداشت و بویید و فرمود: «هَذِهِ وَ اللّٰهُ هِيَ الْأَرْضُ الَّتِي أَخْبَرَ بِهَا جِبْرِئِلُ رَسُولَ اللّٰهِ أَنَّنِي أُقْتَلُ فِيهَا»، «به خدا سوگند این همان سرزمینی است که جبرئیل به رسول خدا (ص) خبر داد که من در آن کشته می‌شوم.» (همان، ۴۱۹)

برخی از شاعران نیز با مطالعه منابع تاریخ اسلام، این بخش از تاریخ را مورد توجه قرار داده و زبان به سخن گشوده‌اند که جورج شکور و سعید عسلی نیز از جمله این شاعران می‌باشند.

جورج شکور در پی مطالعات تاریخی خود؛ کربلا را مورد خطاب قرار داده و چنین می‌گوید:

يَا «كَرْبَلَاءُ» أَ أَنْتِ الْكَرْبُ مُبْتَلِيَا
وَأَنْتِ جُرْحٌ عَلَى الْأَيْمَانِ نَعَاؤُ؟
لَا، لَا، وَثِيْقَةٌ حَقٌّ أَنْتِ شَاهِدَةٌ
أَنْ فِي الْخَلِيقَةِ أَشْرَارٌ وَ أَحْيَاؤُ
وَ جَوْلَةُ الْبُطْلِ، إِنْ طَلْتِ، لَهَا أَجَلُ
وَالْحَقُّ، جَوْلْتُهُ فِي الدَّهْرِ أَذْهَارُ
يَا «كَرْبَلَاءُ»، لَدَيْكَ الْخُسْرُ مُنْتَصِرُ
وَ النَّصْرُ مُنْكَسِرُ، وَ الْعَدْلُ مَعْيَاؤُ
(شکور، ۲۰۰۳: ۲۱ و ۲۲)

«ای کربلا آیا تو درد و مصیبتی؟! و آیا تو زخمی بر جسم روزگار هستی که هنوز از جوش نیفتاده؟! نه، نه، تو سند حقیقتی، و شاهد این واقعیت که در میان مردمان، نیکان هستند و بدان/ و این که زندگی باطل اگر چه طولانی باشد؛ اما روزی به پایان می‌رسد در صورتی که حق تا زمانی که روزگار برپا است، پا برجا می‌باشد/ ای کربلا در نزد تو شکست، بر می‌خیزد و پیروزی، فرو می‌ریزد و تنها معیار و میزان عدالت است.»

عسلی نیز بعد از وصف روز عاشورا و شهادت امام حسین (ع) در مورد کربلا چنین می گوید:

هِيَ كَرْبَلَا وَ الدَّهْرُ مِنْ بَلَوَاهَا
وَعَلَى جَبِينِ الشَّمْسِ لَوْنٌ أَحْمَرُ
مُتَأَلِّمٌ وَ الْكَوْنُ لَنْ يَنْسَاهَا
مِنْهَا يُعْطَى صُبْحَهَا وَ مَسَاهَا
وَحَزَائِرُ الْهَادِي بِسَاحَةِ كَرْبَلَا
تَبْكِي وَ قَدْ بَكَتِ السَّمَاءُ لِإِكْهَاهَا

(عسلی، ۱۹۸۶: ۵۳۴)

«آری این کربلا و روزگار از بلاهای آن دردمند است و هستی هرگز آن را فراموش نخواهد کرد/ و بر پیشانی خورشید رنگ سرخی از آن نشسته که صبح و شامش را پوشانده است... و زنان در میدان کربلا گریه می کنند و آسمان به خاطر گریه آن‌ها می گرید.»

جورج شکور، شاعر مسیحی در ابتدا به شیوهٔ استفهام انکاری از خود کربلا سؤال می کند که آیا تو اندوه و مصیبت هستی؟ و خود با تأکید جواب می دهد که نه؛ او کربلا را نه تنها مکان بلا و مصیبت نمی داند؛ بلکه با بیان این که در زمین هم مردم خوب و هم مردم بد وجود دارد، آن را شاهد گرفته و می گوید: باطل روزی به پایان می رسد و حق همیشه ماندگار است.

اما عسلی، شاعر شیعی هم چون دیگر شاعران شیعه، چون شریف رضی و سید حمیری؛ کربلا را مکان بلا دانسته و شدت اندوه آن را چنان بیان می کند که حتی روزگار نیز از اندوه او دردمند بوده و آن را هرگز فراموش نمی کند و حتی آسمان هم از شدت اندوه آن گریه سر می دهد. عسلی در ادامه همین قصیده زمین را شاهد می گیرد و اندوه و بلائی آن را چنین بیان می کند:

وَالْأَرْضُ تَشْهَدُ وَ السَّمَاءُ تَبْكِي مِنْ
حُزْنِ جَلَامِدِ كَرْبَلَا أَبْكَاهَا

(همان، ۵۳۵)

«و زمین شاهد است و آسمان از اندوه کربلا ناله و شکایت می کند من نیز برای آن می گریم.»

نتیجه گیری

دستاوردهای کلی پژوهش حاضر را می توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- ۱- از امور طبیعی و فطری است که هر کس به طبع فطرت خود، طرفدار مظلوم و مایل به یاری او است، هیچ چیز نمی تواند در مقابل این امر فطری و ادراک وجدانی بشر بایستد؛ سعید عسلی و به ویژه جورج شکور شاعر مسیحی نیز به عنوان یک انسان با طبع شاعرانه طبیعی است که حادثه کربلا آن ها را متأثر کند؛ از این روی هر دو امام حسین (ع) را به خاطر انسانیت ایشان توصیف می کنند نه به خاطر دین و مذهب. آن ها امام حسین (ع) را رمز ایثار و انگیزه اصلی در احیای روحیه مقاومت انقلابیون می دانند. از سویی نیز پیوند میان حماسه حسینی و ادبیات پایداری معاصر لبنان، علت روی آوردن این دو شاعر لبنانی به سرودن تاریخ امام حسین (ع) می باشد؛
- ۲- شیوه هر دو شاعر در ملحمة، بر بخش بندی استوار است طوری که مقدمه، موضوع و خاتمه ملحمة را در نهایت دقت رعایت کرده و در ترسیم تاریخ، کاملاً تسلسل زمان را مدنظر قرار داده و حوادث را به ترتیب بیان کرده اند. عسلی حوادث تاریخ را با جزئیات آن و به طور مفصل به تصویر کشیده است؛ اما جورج شکور کلیات تاریخ را در نظر گرفته و به طور مختصر آن را بیان می کند. پس بنابراین می توان گفت: اطناب از ویژگی های شعر عسلی و اختصار از ویژگی های شعر شکور می باشد؛
- ۳- هر دو شاعر در توصیف روز عاشورا تاریخ را با تخیل در آمیخته و با احساس درونی خویش آن را بیان می کنند؛ بنابراین این بخش از هر دو ملحمة به نسبت بخش های دیگر تأثیرگذارتر است. البته ناگفته نماند که سعید عسلی در جای جای ملحمة تخیل خویش را به کار گرفته و تاریخ را بیان می کند. از این روی شعر خود را به درازا می کشاند، اما جورج شکور چنان که ذکر شد فقط در توصیف روز عاشورا تاریخ را همراه با تخیل بیان می کند، در نتیجه تأثیرگذاری این بخش از شعرش به مراتب بیش تر از بخش های دیگر است. ولی در ترسیم حوادث قبل از عاشورا احساس درونی وی کم رنگ تر دیده می شود. بنابراین به طور کلی می توان گفت که این دو شاعر عاطفه شعری را صادقانه در اشعار خود به کار برده و در بیان احساسات خود موفق بوده اند؛
- ۴- با مطالعه دیوان شکور و عسلی و تطبیق اشعار آن ها با کتاب های تاریخی به نظر می رسد این دو شاعر هر چند از یکدیگر تأثیر نپذیرفته اما از منابع تاریخی مشترک استفاده کرده و در بیان حوادث امانت دار بوده اند؛ زیرا شکور بیش تر به بعد حماسی عاشورا پرداخته اما عسلی به بعد رئایی این واقعه نظر داشته است. و برای امام حسین گریه می کند.

پی‌نوشت

۱- ادبیات تطبیقی شامل جنبه‌های پژوهشی وسیع‌تری است. در مکتب آمریکا، ادبیات تطبیقی در بر گیرنده تمام مطالعات تطبیقی میان ادبیات‌های مختلف یا میان ادبیات دیگر هنرها یا حتی معارف انسانی است. بر این اساس ادبیات تطبیقی در آمریکا می‌تواند به موضوع جنبش رمانتیسم در شعر و موسیقی و یا مقایسه میان ادبیات و روانشناسی اخلاق و جز آن‌ها بپردازد. بنابراین در روش آمریکایی می‌توان ارتباط مطالعات انسانی را یافت و متوجه ضرورت پژوهش تطبیقی برای روشن شدن ابهامات موجود علوم انسانی شد. (غنیمی هلال، ۱۹۸۷: ۲۱-۲۲) در مکتب آمریکایی ارتباط تاریخی، تأثیر و تأثر و اختلاف زبان دو اثر شرط مقایسه نیست. (احمری، ۱۳۹۱: ۱۸)

منابع و مآخذ

۱- قرآن کریم.

- ۲- ابن منظور، محمدین مکرم (بی تا). *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
- ۳- احمری، فرزانه (۱۳۹۱)، *بررسی تطبیقی مضامین مقاومت و پایداری در اشعار طاهره صفارزاده و فدوی طوقان*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.
- ۴- امین، محسن (۱۳۷۴)، *اعیان الشیعه*، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۵- بارا، آنتوان (۱۳۸۹)، *امام حسین در اندیشه مسیحیت*، چاپ دوم، ترجمه علی بافر طاهری نیاو فرامرزی میرازی، چاپ دوم، همدان: انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.
- ۶- بقاعی، شفیق (۱۴۰۵)، *الانواع الادبیه*، بیروت: مؤسسه عزالدین.
- ۷- خزعلی، انسیه (۱۳۸۳)، *امام حسین (ع) در شعر معاصر عربی*، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۸- ذنون، عبدالحکیم (۱۹۹۶)، *جلجامش الانسان و الخلود*، بیروت: مؤسسه المنارة.
- ۹- رسولی محلاتی، سیدهاشم (۱۳۷۴)، *زندگانی امام حسین (ع)*، چاپ اول، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۰- زائری، محمد رضا (۱۳۸۹)، *پدر، پسر، روح القدس (تجلی عشق علوی و شور حسینی در آثار شاعران و نویسندگان مسیحی)*، چاپ دوم، قم: خیمه.
- ۱۱- _____، (۱۳۹۰)، *کتاب مقدس (تجلی دلبستگی نویسندگان و شاعران مسیحی به قرآن کریم و رسول گرامی اسلام)*، چاپ اول، قم: خیمه.
- ۱۲- شریفی، محمود (۱۳۷۹)، *فرهنگ جامع سخنان امام حسین (ع)*، چاپ اول، ترجمه علی مؤیدی، قم: نشر مشرقین.
- ۱۳- شکور، جورج (۲۰۰۳)، *ملحمة الحسین (ع)*، الطبعة الاولى، بیروت: شركة ساب انترناسیونال.
- ۱۴- عسلی، سعید (۱۹۸۲)، *مولد النور*، الطبعة الاولى، بیروت: دارالزهراء.
- ۱۵- _____، (۱۹۸۶)، *ملحمة کربلاء*، الطبعة الاولى، بیروت: دارالزهراء.
- ۱۶- غنیمی هلال، محمد (۱۹۸۷)، *الأدب المقارن*، بیروت: دارالعودة.
- ۱۷- فقهی، عبدالحسین؛ سید مهدی نوری کبذقانی (۱۳۹۱)، «نگاهی به عناصر ادبی در منظومه حماسی کربلاء اثر سعید العسلی»، *ادب عربی*، شماره ۴، سال ۴، صص ۱۱۱-۱۳۸.
- ۱۸- قرشی، باقر شریف (بی تا)، *حیة الامام الحسین بن علی (ع)*، قم: مدرسه علمیة قم.

- ۱۹- قمی، عباس (۱۳۹۰)، *مقتل امام حسین (ع) و یارانش*، ترجمه علی نظری منفرد، چاپ پنجم، قم: سرور.
- ۲۰- موسوی المقرّم، عبدالرزاق (بی تا)، *مقتل الحسین (ع)*، تهران: قسم الدراسات الاسلامیه.
- ۲۱- هیئة المعجم (۲۰۰۲)، *معجم البابطين للشعراء العرب المعاصرين*، ریاض: مؤسسة جائزة عبدالعزيز سعود البابطين للإبداع الشعري.